

نگاهی به نوروز در گزارش سیاحان دوره قاجار و پهلوی

تحويل سال با سرتراشیدن و حنا بستن

مهدی حسامی| شلیک توپ سال نو، دست‌های رنگی شده با خضاب، جامه‌ها و قبا‌های ترمه و مجمرهای شیرینی و قطاب و باقلوا تنها بخشی از شیرینی نوشتن درباره نوروز در ایران دوره قاجار و پس از آن است که در سفرنامه سیاحان خارجی به یادگار مانده است؛ گزارش‌هایی که بخشی از آن در سطرهای بعدی، پیش چشم تماشا گذاشته شده است.



قند و قهوه، جای و مربا؛ پیشکش سلطان

«گاسپار دروویل»، افسر فرانسوی، که اوایل قرن نوزدهم میلادی (۱۱۹۱خورشیدی) و در زمان فتحعلی‌شاه قاجار در ایران اقامت داشته، مراسم نوروز را این‌گونه توصیف کرده است: «مراسم نوروز یاروز شروع سال جدید ایرانی، مطابق با ۲۱مارس و تحويل آفتاب به برج حمل است. این مراسم از کیران باستانی به یادگار مانده است. گمان نمی‌رود که در سراسر مشرق زمین، چنین عید بزرگی باشد. مراسم عید، یانزده روز طول می‌کشد. در این مدت بازارها بسته است و کارگران به هیچ کاری دست نمی‌زنند. روز عید و دو روز بعد از آن در دربار، سلام عام داده می‌شود. شاه ایران، وزیران، نجبا و سپس طبقات پایین‌تر و از آن جمله بازرگانان را به حضور می‌پذیرد. پس از انجام مراسم مزبور شاه در پایتخت و شاهزادگان در مراکز ایالات می‌نشینند و به کسانی که به حضورشان معرفی شوند، هدایایی می‌دهند و یا از آن‌ها هدایایی می‌پذیرند. غالبا به پادشاه هدایایی از قبیل اسبان نجیب، اسلحه، پارچه‌های زربفت و شال کشمیر و لباس‌های پوست گران‌بها و قند و قهوه و جای و مربا و شربت تقدیم می‌شود. شاه ایران به هنگام عید نوروز برای فرزندان خود و حکام ولایات، لباس می‌فرستد. لباس‌های افتخار به نام «خلعت» معروف است.»



پذیرایی با قهوه و جای و آب نبات

هانری زه دالمانی که در آستانه انقلاب مشروطه و برای حفاری باستان‌شناسی وارد ایران شده است، هم عید نوروز را بزرگ‌ترین رخداد سال ایرانیان خوانده و در سفرنامه‌اش به مدت زمان جشن نوروز، کیفیت سفره هفت‌سین، شکل و لباس ایرانیان ولحظه تحويل سال اشاره کرده است: «در ایران بزرگ‌ترین حادثه سال، جشن سال نو یا نوروز است. این جشن از آن سبب نوروز نامیده شده است که در اولین روز سال نو برپا می‌شود و آن، روزی است که خورشید وارد برج حمل می‌شود و مصادف است با ۲۱مارس و اعتدال ربیعی، برخی مورخان برقراری این جشن را به جمشید، بنیان‌گذار عمارت موسوم به تخت جمشید، نسبت داده‌اند که استفاده از سال خورشیدی را معمول داشت و در نخستین روز آن، جشنی بزرگ برپا کرد و حدس می‌زنند نقش برجسته معروف پلکان بزرگ تخت جمشید، نمایشگر همین مراسم است.

در ایران هیچ شهر، روستا، قصبه، دهکده و ده‌کوره‌ای نیست که این جشن باشادی و سرور فوق‌العاده در آن برگزار نگردد. جشن‌هایی که در دربار شاهان برگزار می‌شود، از دیگر جشن‌ها، باشکوه‌تر و بزرگ‌تر است و در نقاط دیگر دنیا نیز هیچ جشنی در شکوه و جلال و شادمانگی خود، نمی‌تواند با این جشن‌ها برابری کند. عید نوروز، مجال خودنمایی‌های بسیاری را به ایرانیان می‌دهد. خانه‌ها را با پارچه‌های گران‌بها می‌آرایند، بازاریان، قالی‌ها و شال‌های قیمتی را بر دکان‌های‌آویزند. در کوچه‌ها و خیابان‌ها، طاق نصرت‌ها برپا می‌شود. مردم با شادی و در رفت‌وآمدند و به همدیگر تبریک و تهنیت می‌گویند. یکی از رسوم عید نوروز، فرستادن سفره هفت‌سین است برای دوستان و آشنایان. هفت‌سین عبارت است از هفت نوع میوه که حرف اول نامشان، «س» است. در ساعت تحويل سال که معمولا به وسیله منجم دربار از پیش مشخص شده است، افراد هر خانواده گردهم می‌آیند و درحالی‌که به امید رونق اقتصادی و وفور نعمت در سال نو، هریک مقداری گندم یا برنج یا چند سکه پول در دست دارند، عباراتی عربی یا مفهوم خدوندند، تو که قادری قلب‌ها و چشم‌ها را را منقلب سازی، عنایتی فرما تا ما نیز از دل خوش و تندرستی برخوردار باشیم را می‌خوانند و آن‌گاه بر سفره‌ای انباشته از غذاهای گوناگون می‌نشینند. در وسط سفره، به‌نشانه سال نو، ظرفی که در آن سبزه رویانیده‌اند، قرار دارد. روز عید و شب آن درمیان سرور و شادی به‌سر می‌آید و از روز دیگر دیدوبازدید، به خصوص رفتن به زیارت امام‌زاده‌ها، آغاز می‌شود. نزدیک نوروز، همه کسانی که سرشان به‌تنشان می‌ارزد، خود را تمام‌عیار می‌آرایند. لباس‌نومی‌پوشند، سرشان را می‌تراشند، دست و ناخن‌ها را با حنا رنگ می‌کنند و برای پذیرایی از دیگران، جای و قهوه و آب نبات و امثال آن‌ها را تدارک می‌بینند. این جشن‌ها معمولا دو تا سه هفته به طول می‌انجامد و در تمام این مدت، بازار تعطیل و کارها معوق است.»

مرگ سال قدیمی با شلیک توپ

بهترین توصیف درباره جشن نوروز مربوط به سفرنامه «کتس مادفون روزن»، است که در دوره پهلوی اول به رشته تحریر درآمده است. او زنی از اشراف زادگان سوئدی بوده که در همین روزگار پهلوی اول به ایران آمده است. کتس مادفون روزن در سفرنامه خود، از توصیف مقدمات جشن نوروز شروع کرده و با دقت و ظرافت بسیار از ابعاد آن گفته که ماحصل آن چنین است: «در روز ۲۱مارس، برابر با اول فروردین ماه، آغاز جشن‌های نوروزی، همه ایران خوشحال است و لبخند بر لبان همه ایرانیان نقش می‌بندد. خورشید می‌درخشد. گل‌ها شکوفه کرده بودند و جویبارها درمیان کوهستان‌ها همان‌طور که می‌غلغلیتند و پیش می‌رفتند، آوای گوش‌نوازی را زمزمه می‌کردند. مردم ایران روز نو، نوروز سال ۱۳۱۳ خود را جشن می‌گرفتند. یک‌هزار و ۳۱۳ سال خورشیدی از هجرت حضرت محمد ص، پیامبر گرامی مسلمانان، از مکه به مدینه می‌گذشت. حتی فقیرترین مردم هم در بشقاب و پشت کوزه، گندم



پخت شیرینی کل کشور در یزد و اصفهان



شیرینی‌ها، باید از میوه‌هایی که آن‌ها را با تردستی تا نوروز، تروتازه نگاه می‌دارند، هم یاد کرد. همچنین چندروزی پیش از عید به پاکیزه کردن خانه‌ها و فرش‌تکانی می‌پردازند. تکاندن فرش فقط یک‌بار در سال انجام می‌گیرد. روز قبل از عید، همه به حمام می‌روند و سر را حنا می‌گذارند و ناخن‌ها را رنگ می‌کنند. در دربار، حلول سال نو، چه در نیمه‌شب باشد و چه دیرتر را، «جشن سلام» می‌گیرند که فقط علما، سادات و مأموران عالی‌مقام و مقرب‌الخاقان و چند نفر از ارکان حرب (لشکرو وارتش) در آن مراسم دعوت دارند؛ جشنی که با نوروز آغاز می‌گردد، سیزده روز دوام دارد. در طول این روزها، تقریبا همه کسب‌وکارها تعطیل است. در این مدت، همه منحصرا به تفریح می‌پردازند، از لذایذ خانوادگی برخوردار می‌شوند یا به دیدوبازدید یکدیگر می‌روند و به هم تبریک می‌گویند.»

سیزده‌بدر در کوهسنگی

«سر چارلز ادوارد بیت» در ژوئیه ۱۸۹۳میلادی کفیل کتسلوگری مشهد شد. سفرنامه او از معدود سفرنامه‌هایی است که درباره نوروز مشهد، اطلاعات ارزشمندی به مخاطب می‌دهد. او در سفرنامه‌اش، این ایام را چنین توصیف کرده است: «در ۲۱مارس، نوروز آغاز سال نوی ایرانیان و همچنین بزرگ‌ترین عید آنان، فرارسید.

در این روز، تمام خدمتکاران و وابستگان برای عرض تبریک و سلام، پیش می‌آیند و انتظار دارند تا هدیه یا عیدی بگیرند. درحقیقت این کریسمس ایرانی‌هاست و بزرگداشت آن تااوایل ماه آوریل به طول می‌انجامد. در روز سیزدهم نوروز، تمامی مردم مشهد یکپارچه از شهر خارج می‌شوند. این یک رسم بسیار پاپرجا و قدیمی است که هرکس باید خانه‌اش را ترک گفته و در این روز، بیرون و حتی‌الامکان به سبزه‌زارها برود، در غیر این‌صورت، نحسی این روز گریبان‌گیر وی خواهد شد». ادوارد بیت، کوهسنگی را یکی از تفرجگاه‌های اصلی مشهد در نوروز معرفی کرده است: «در موقع بازگشت از سواری، دیدم صدها مرد و کودک همراه با تعداد زیادی درشکه به‌طرف کوهسنگی در خارج از شهر که به نظر می‌رسید یکی از تفرجگاه‌های بسیار مورد علاقه مردم باشد، در حرکت بودند.»

کاشته بودند تا خانه‌گلی آن‌ها هم بوی بهار بدهد و خداوند بزرگ، سال پربار و پرمحصولی را به آن‌ها ارزانی فرماید. آن‌ها که می‌توانستند، خانه خود را با فرش آذین می‌بستند و آینه را جلوی خانه می‌گذاشتند تا نور خورشید را به داخل منعکس کند. به هنگام شب، چراغ و شمع جلوی آینه قرار می‌دادند تا دیوارها بدرخشند و منظره روشن و زیبایی برای عابرین ایجاد شود. زن‌ها یک و شیرینی می‌پختند تا به فقرا و میهمانان احتمالی تقدیم کنند. رسم بر این است که روز پیش از شب سال، همه به حمام بروند و صبح روز بعد عید، پیراهن و جامه نو و ترجیحا به رنگ سبز روشن بپوشند. در این روز، همه عقه‌ها و کینه‌ها زدوده می‌شود و خانه‌ها و همچنین قلب‌ها به‌روی همه غریبه‌ها گشوده می‌شود و همه لب‌ها، متبسم‌اند و چشم‌ها با صفا و برق محبت و دوستی می‌درخشند. با شلیک توپ، مرگ سال قدیمی و حلول سال جدید اعلام می‌شود. درحالی‌که همه در انتظار چنین لحظه‌ای ثانیه‌شماری می‌کنند، مردها در اتاق خود و زن‌ها در اندرون و یا در پستوها، جلوی آینه زانو می‌زنند و غرق در تفکر و دعا می‌شوند. درکنار آن‌ها، شعله فروزان شمع، یک کتاب قرآن و یک سینی با هفت نوع مواد غذایی و میوه جات و سبزیجات که همه آن‌ها با حرف «س» شروع می‌شوند، قرار دارد. در یک سمت آینه و یک تنگ بلور با یک ماهی قرمز که نمایانگر دریا و برکت‌های آسمان است، کوزه سبزشده با گندم یا جو به علامت زندگی دوباره زمین، رودرویی آینه قرار گرفته است و سپس دیدوبازدیدهای سال نو شروع می‌شود. در نخستین روز سال نو، بزرگان و افراد مسن خانه می‌نشینند و فرزندان و دوستان و بستگان جوان‌تر به دیدن آن‌ها می‌روند و سپس افراد مسن برای بازدید به منزل جوان‌ترها می‌روند.»



سیزده‌ای که به در رفت!



سبیده نعیمه زینبی

بهار نزدیک است و تا چشم روی هم بگذاریم به پایان آن می‌رسیم. برای همین می‌خواهیم در سطرهایی، پیش از سال نو به سراغ سیزدهمین روز بهار برویم که یکی از جلوه‌های سبزی و تازگی فروردین است.

این روز در خاطرات همه ایرانی‌ها جای خودش را دارد. فرصتی برای طبیعت‌گردی در روزهای میانه فروردین که نه‌دیگر از سرمای زمستان خبری است و نه گرمای خرداد و تابستان فرارسیده است و می‌تواند خوشایند هرکسی باشد. همیشه در این وقت سال شکوفه‌ها از راه بهار رسیده و جوانه‌ها رسته‌اند و هوای تازه جان بهار با روح آدم همان کاری را می‌کند که با طبیعت بی‌جان کرده است. حس خوبی که سپری کردن یک روز خوب در طبیعت به طبیعت‌گردان این روز می‌دهد، همه ایرانی‌ها را به این سمت سوق می‌دهد که هر جور شده است بساط نشاط یک روز خوب را فارغ از فلسفه آن بچینند. اما همه این‌ها باعث نمی‌شود این سؤال در ذهن بسیاری متبادر نشود که چرا ایرانی‌ها این روز خاص را به گل‌گشت در طبیعت می‌روند؟

آداب و مراسم نوروزی از خانه‌تکانی و چهارشنبه‌سوری و رویاندن سبزه و... تا سیزده‌به‌در، همه و همه نشان‌دهنده نوعی نظم در آیین دیرپای ایرانی است. آیین‌های نوروزی با بوی خوش بهار از نیمه‌های اسفند در جای جای ایران زمین آغاز می‌شود و تا پایان سیزدهم فروردین ادامه می‌یابد. در این روز، ایرانی‌ها خانه و کاشانه‌شان را به‌نیت گذر زمان در دشت و باغ و صحراترک می‌کنند. باید گفت روز طبیعت در انتهای یک مسیر در امتداد بزرگ‌ترین و بااهمیت‌ترین جشن ایرانیان قرار گرفته است.

این جشن در اسطوره‌ها از دوره پیشدادی و جمشید، چهارمین پادشاه آن، برای ما به یادگار مانده است. پیشدادیان نخستین سلسله پادشاهان در شاهنامه و اساطیر ایرانیان هستند. داستان‌های شاهنامه ما را به این دوره از تاریخ اساطیری ایران می‌برد که در آن آتش کشف شد و ایرانی‌ها ساختمان‌سازی را آموختند. پهلوانان و اهریمنان شاهنامه در این دوره زیسته‌اند. آیین نوروز از این روزگار به جهان معاصر رسیده است.

درباره فلسفه سیزده‌به‌در نیز در میان فرهنگ‌پژوهان و صاحب‌نظران دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. یکی از این‌گمانه‌ها که به‌نظر می‌رسد به حقیقت نزدیک‌تر است، اشاره به کشاورزیون مردم ایران زمین است. در گذشته، پیشه بیشتر مردم کشاورزی بوده و ارتباطی قوی و ناگسستنی میان مردم و زمین برقرار بوده است. به‌دلیل این دل‌بستگی به مادر طبیعت، این روز نوید رفتن به مزرعه را به ایرانی‌ها می‌داده است. هنگامی که نزدیک دو هفت روز از آغاز سال نو می‌گذشت، مردم سبزه‌های سفره هفت‌سین را که آرام آرام به زردی می‌گرایید، در جوی آب روان‌ها می‌کردند. البته رسوم سیزده‌به‌در میان ایرانی‌های قدیم به همین جا ختم نمی‌شد. در گذشته، رسم بر این بوده‌است که پیش از نوروز دوازده نوع از حیویات را به‌نیت دوازده ماه سال سبز می‌کردند. هرکدام از سبزه‌ها که بیشتر رشد می‌کرد، نشان‌دهنده فراوانی آن نوع غله در آن سال بوده است.

از دیگر آیین‌های این روز، گره‌زدن سبزه برای برآورده‌شدن آرزوهای هر فرد بود که شاید بیشتر برای جوانان جذابیت داشت که گره‌زدن سبزه را حکایت از بازشدن یختشان می‌دانستند. البته اگر سبزه‌های آن سال در سیزدهمین روز بهار آن قدر رشد کرده بود که می‌شد آن‌ها را به هم گره زد، یک نشانه خوب هم برای مردم کشاورز آن زمان بود. قابلیت گره‌خوردن سبزه‌ها این نوید را به مردم می‌داد که آن سال پربار و باران خواهد بود. مردم با گره‌زدن سبزه‌هایی که تا آن موقع بهار رشد خوبی کرده بودند، می‌دانستند که آن سال خرمن خوب و زندگی بسامان‌تری خواهند داشت.

آیین‌ها و باورهایی که از این روز میان ایرانی‌ها رواج داشته‌است، بیش از این‌ها بوده. ولی تصور نحس بودن آن همچنان میان ایرانی‌ها باقی است. بسیاری از افراد تصورشان این است که مردم از دیرباز برای فرار از شومی این روز به دامان طبیعت پناه می‌برند. جعفر شهری در کتاب «تهران قدیم» آورده است: «مردم تهران هم‌زمان با طلوع آفتاب بهاری روز سیزدهم لباس سبک بهاری می‌پوشیدند، کلاه نمدی به سر می‌گذاشتند، قبا ی سه‌جاکي بقه‌هفت تا بالای زانو و شال‌های نازک و قلمکار و اطلس و مانند آن به تن می‌کردند و گویه در پای و بدون جوراب به راه می‌افتادند و سینه جلو داده و هرچه بیشتر خود را به اعماق دشت و دمن می‌رساندند. زیرا آنان نیز مانند نیاکانشان اعتقاد داشتند در این روز باید به دل طبیعت زد و نحسی سیزده را زدود.»

با اینکه این باور نسل به نسل میان ایرانی‌ها گشته‌است، از تاریخچه آن چیزی دستگیر تاریخ‌پژوهان نشده‌است. جالب است بدانید که ایرانیان باستان این روز را نیکو و خجسته می‌دانسته‌اند. در کتاب «آثارالباقیه» ابوریحان بیرونی آمده‌است: «این روز بسیار نیکوو خرم است و به‌هیچ‌وجه کراهت ندارد. ایرانیان قدیم بعد از دوازده روز جشن و شادی که به‌یاد دوازده ماه سال است، روز سیزدهم نوروز را که روزی فرخنده و نیک است، به باغ و صحرا می‌رفتند و شادی می‌کردند و برای بارش باران دعا می‌خواندند و بدین ترتیب رسماً دوره جشن نوروز را به پایان می‌رساندند.

در بعضی کتاب‌های تاریخی آمده است که در سال ۵۲میلادی یونانیان نحسی نوروز را وارد فرهنگ ایرانیان کرده که درباره این ادعا نیز چیزی بیشتر نمی‌توان گفت. جالب است باور نحسی روز سیزده در میان گذشتگان به جایی رسیده بود که آن زمان که شهر دروازه‌های مختلف داشت، مردم از یک دروازه شهر بیرون می‌رفتند و از دروازه دیگر وارد شهر می‌شدند تا دیو شرور را گمراه کنند. بیشتر به‌نظر می‌رسد تا آگاهی مردم قدیم باعث می‌شده است که یک روز و یک عدد را نحس بدانند.

البته اکنون دیگر شاید نحوست این روز در طبیعت‌گردی آن جایی نداشته باشد و مردم بیشتر این روز را دهانه‌ای قرار می‌دهند که بتوانند آخرین روز تعطیلات نوروز را در کنار هم به خوشی سپری کنند.

منابع: بررسی هویت ایرانی در جشن‌های نوروزی، خدیجه مرادی سیزده‌به‌در در آیین فرهنگ‌های ایرانی، حسین تجدد

شهریار

شنبه
۲۳ اسفند ۱۴۰۲
۵ مردمان ۱۳۴۵
شماره ۲۱۸۱

۱۵
SHAHRAJANEWS.IR



تاریخ و هویت

دو تصویر از مراسم شادی عید نوروز مردم تهران در دوره قاجار